

گفتگوی داریوش فروهر با گزارشگر رادیو بیست و چهار ساعته‌ی صدای ایران از لس آنجلس، علیرضا میبیدی

گزارشگر: صبح شما به خیر، جناب آقای فروهر.

داریوش فروهر: شب شما هم در آنجا به خیر.

گزارشگر: آقای فروهر، همه‌ی خبرها می‌گویند که مردم دوباره در میدان هستند. آیا حزب شما در محاسبات سیاسی عنصری به نام «مردم» را منظور کرده است؟ درست هستند این گزارشاتی که اکثراً خبرنگاران خارجی به ما می‌دهند؟

داریوش فروهر: بله، بی‌شک، مردم در صحنه هستند، دارندگان و رقم‌زن سرنوشت کشور هستند، گاهی با آمادگی و شور بیشتر و گاه کمتر. در باور من، مردم هیچ‌گاه از صحنه بیرون نمی‌روند، چون به هر حال همان هنگام که همه چیز برای سرکوب آن‌ها فراهم می‌شود نیز خودش نوعی دلیل حضور آن‌هاست و برعکس من فکر می‌کنم زمامدارانی که سرنوشتشان را از مردم جدا می‌کنند آن‌ها را باید انتظار داشت که دیر یا زود از صحنه بیرون بروند.

گزارشگر: آقای فروهر، چند دستگی در ایران برجسته‌تر شده، مخصوصاً بعد از سفر آقای رفسنجانی به عربستان سعودی، مثل اینکه ما در ایران چندین دولت داریم نه یکی. درگیری این دولت‌ها به کجا می‌خواهد بکشد کارش؟ شنیدیم که این وسط چندین بار هم آقای خاتمی خواسته استعفا بدهد.

داریوش فروهر: من از قصد آقای محمد خاتمی برای کنارگیری از رئیس‌جمهوری آگاهی ندارم؛ ولی چند قطبی بودن حکمروایی در ایران بسیار روشن و آشکار است. به‌طور کلی، انحصارگری و ویژگی جدانشدنی‌اش حذف رقیب می‌باشد و ایرانیان از آغاز برقراری سامان یک‌تازی جمهوری اسلامی، که با انحصارگری همراه بوده است، پیوسته گواه کشمکش و سرانجام حذف رقیب از صحنه بوده‌اند. آنچه امروز جلوی دیدگان مردم است چند قطبی بودن و افزون شدن شکاف‌هاست؛ و طبیعی است که دارندگی داعیه‌ی کار سیاسی می‌تواند از این کشمکش‌های درونی حداکثر استفاده را بکند. مردم هم به این کشمکش‌های درونی دل خوش داشته‌اند؛ ولی بگذارید آشکارا بگویم آنچه که اکنون در ایران می‌گذرد آن دخالت دلخواه مردم و رقم زدن سرنوشت خودشان نیست.

گزارشگر: آنچه که من اطلاع دارم، برخی از رهبران دانشجویی با شما ارتباط برقرار کرده‌اند. چند روز پیش هم، که با یکی از آن‌ها مصاحبه کردیم، در منزل شما بود، اگر اشتباه نکنم. انتظار شما از جنبش دانشجویی در ایران چیست؟ و اصلاً این جنبش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

داریوش فروهر: بعد از شهریور ۱۳۲۰، به‌راستی دانشگاه یک کانون بزرگ بود برای دخالت مردم در سرنوشت خودشان و می‌شود گفت که جنبش دانشجویی از آن هنگام پا گرفت. در سال‌های سیاه اشغال ایران، دانشجویان در هر حرکت ملی نقش اساسی داشتند؛ در هنگام رهایی آذربایجان از آن فتنه، نقش اساسی داشتند؛ در هنگام ملی شدن صنعت نفت، نقش اساسی داشتند؛ در رویارویی با دیکتاتوری، نقش اساسی داشتند؛ و امید هم می‌رفت که به هنگام پیروزی انقلاب آن‌ها به عنوان آینده‌سازان ایران مورد ارج قرار بگیرند، ولی با یک توطئه‌ای زیر عنوان «انقلاب فرهنگی» آن‌ها را از صحنه بیرون کردند؛ و چه آسیب‌ها که به این کانون‌های دانش‌اندوزی وارد کردند،

استادهایشان را زیر فشار قرار دادند؛ و به هر حال، پس از بیست و دوم بهمن، بر دانشگاهیان فشارهای زیادی وارد آمد؛ و سرانجام هم، که ناگزیر شدند دانشگاه را باز بگشایند، سعی کردند که با ساختن سازمان‌های صنفی دست‌آموز، که همه را ویژگی «اسلامی» به‌دنبالش می‌گذاشتند، این کانون پرتحرک را مهار کنند؛ ولی همان طور که مردم را در صحنه‌ی زندگی ملی نتوانستند برای همیشه خاموش نگه دارند، آنجا هم این جوان‌های با استعداد و تا اندازه‌ای دانش‌اندوخته خیلی زود شکل گرفتند و حتی نغمه‌های ناسازواری با دیکتاتوری از درون همان انجمن‌هایی که یکی روزی ساخته‌وپرداخته‌ی پاسداران استبداد بود سر برکشید. صرف‌نظر از نیروهای سیاسی ناسازوار، اینکه برای نخستین بار در سطح اجتماع سخن از عدم ضرورت نهاد رهبری یا دست‌کم بایستگی کم شدن دامنه‌ی اختیار او از سوی دانشجویان برخاسته می‌شود این خودش ژرفای جنبش دانشجویی در ایران را نشان می‌دهد؛ و چون اشاره کردید، برای من و دوستانم افتخار است که از همان آغاز نشانه‌های گسترش جنبش دانشجویی هرچه را که در اختیار داشتیم بی‌هیچ چشم‌داشتی در اختیار آن‌ها گذاشتیم.

گزارشگر: ارتباط برخی از رهبران این جنبش دانشجویی با شما را می‌شود این طور تعبیر کرد که این جنبش گرایش‌های ملی پیدا کرده؟

داریوش فروهر: دانشجویی که چند روز پیش صحبت می‌کرد و من نوارش را شنیدم دیدم در چند جا روی ملی بودن، حتی ملی‌گرایی، تأکید داشت. در واپسین گردهمایی دانشجویی، که در دانشگاه امیرکبیر به پا شد، یعنی تحکیم وحدت، اتحادیه‌ی انجمن اسلامی دانشجویان، بر پا داشته بود در سالن ورزشی امیرکبیر، در گزارشی که من دیدم، نخست با سرود جمهوری اسلامی آغاز شده و طبیعی است و به‌حق که چند سوره‌ی قرآن خوانده شده است؛ ولی، از همان آغاز، سخنان گوینده، که نامزد شرکت در این صحنه‌آرایی میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی است، با کف زدن‌ها، بر خلاف این سنت چندساله، روبه‌رو بوده است و، در میان کار، نوشته‌ی «سرود ای ایران» به‌صورت دست‌نویس میان دانشجویان پخش شده و پایان گردهمایی با خواندن «سرود ای ایران» بوده، در حالی که برگزارکنندگان نشست هم ناگزیر می‌شوند «سرود ای ایران» را پخش کنند. اگر این یک رویکرد به هیجان ملی بیشتر و ابراز احساسات ملی نیست، پس چیست؟

گزارشگر: بنابراین آیا برای اولین بار بازگشت به ریشه‌های ملی در ایران، حرکت‌های سیاسی ما به تدریج جنبه‌های ملی‌گرایانه پیدا می‌کند و روزبه‌روز هم قوی‌تر و نیرومندتر می‌شود؟

داریوش فروهر: طبیعی است آن بستر راستین زندگی ملی است، بستر راستین قانونمندی‌های زندگی اجتماعی بشر است و، هر جا که این احساس‌ها مورد تهاجم بی‌جهت قرار بگیرد، گرایش به آن بیشتر خواهد شد.

گزارشگر: شما فکر می‌کنید می‌تواند ایدئولوژی حاکم را بزند کنار و جای ایدئولوژی را بگیرد؟

داریوش فروهر: به هر حال، جهان‌بینی ملت‌گرایانه ویژگی این را دارد که، چون با فطرت انسانی سازگار است، ایدئولوژی‌های ساخته‌وپرداخته‌ی گمان‌پروری را پس بزند.

گزارشگر: یعنی این یک روزنه‌ی امید است؟

داریوش فروهر: بسیار، بسیار؛ و از روزنه، به گمان من، گذشته است، دریچه‌ای است که با امید خیلی زود به دروازه‌ای بزرگ بدل خواهد شد.

گزارشگر: آقای فروهر، این ملی‌گرایی فقط ویژه‌ی این جنبش‌های دانشجویی است و یا نه، در بین مردم نیز این ملی‌گرایی را می‌شود احساس کرد؟

داریوش فروهر: من به عنوان فردی از یک سازمان سیاسی، که کوشش کرده از جریان‌هایی که بر میهنش می‌گذرد دور نباشد، می‌گویم از چند سال پیش این رویکرد اوج گرفته. برای نمونه می‌گویم، «سرود ای ایران» سرود تازه‌ای نیست، شاید در سال‌های اشغال هزاروسیصدویست‌ودو یا سه، اکنون به خاطر ندارم، استاد گل‌گلاب آن را سرود.

گزارشگر: سال ۱۳۲۳، برای اولین بار اجرا می‌شود در دبیرستان نظام.

داریوش فروهر: من هیچ گاه ندیده بودم که «سرود ای ایران» هنگامی که خوانده می‌شود اشک سرازیر شود از دیده‌ی مردان و زنان. این زاییده‌ی تهاجم غلطی است که پس از انقلاب گروهی قشری بر ایرانیگری کردند و این واکنش طبیعی اجتماع است و روزبه‌روز بیشک گسترده‌تر خواهد شد تا آنجایی که بساط واپس‌گرایی و قشریگری را برچینند.

گزارشگر: بنابراین اکنون این سرود در محافل دانشجویی پخش می‌شود.

داریوش فروهر: بله؛ و در میان مردم، در بسیاری از آیین‌های گردهمایی و به‌ویژه در هنگام‌های خاکسپاری، دیده می‌شود که مردم این سرود را می‌خوانند و روی پیکر کسانی که تشییع می‌شوند درفش سهرنگ ایران را می‌اندازند. **گزارشگر:** جوان‌ها چه، جوان‌های غیر دانشجویی؟

داریوش فروهر: من فکر می‌کنم که جوان‌های کارگر، جوان‌های پیشه‌ور و دیگران هم دارای شور و هیجان ملی هستند. من در میان جوان‌هایی که می‌پیوندند به حزبی که عضو آن هستم می‌بینم که همه جوان‌های دانشجویی نیستند، کارگر جوان، پیشه‌ور جوان، شاگرد فلان کارگاه هستند و درونشان همین احساس‌ها را دارند.

گزارشگر: دو بار جوان‌ها خودشان را به‌خوبی نشان دادند: یکی در جریان بازی‌های فوتبال بود و استقبال از فوتبال‌بالیست‌های ملی‌پوش ایران و بعد هم در جریان برگزاری مسابقات جهانی کشتی در تهران. ما تصویرهایش را در تلویزیون‌های دنیا دیدیم، مثل سی.ان.ان.

داریوش فروهر: من تفسیری ندارم، فقط از آنچه که گذشت خواست مردم را بیان می‌کنم. در جریان پیشواز از ورزشکاران کشورهای دیگر، که گویا بیست‌ودو تیم در ایران شرکت کرده بود، در جریان مسابقه‌ها و سرانجام در دادن مدال‌ها، پس از تیم ایران، که این طبیعی است، مردم بیشترین احساس‌های خود را، با همه‌ی بدی‌ها که در گذشته بوده است، نسبت به تیم ایالات متحده نشان داده‌اند. البته این را هم بگویم که رفتار کشتی‌گیران آن کشور هم بسیار فروتنانه و بسیار با شایستگی بود، به جوری که مردم کشوری که پرچمشان به‌ناحق بارها در اینجا به آتش کشیده شده بود پرچم‌های کاغذی جمهوری اسلامی را از زمین برداشته و تکان می‌دادند و به سوی مردم پرتاب می‌کردند.

گزارشگر: شما این‌ها را در تلویزیون دیدید یا خودتان به محل رفتید؟

داریوش فروهر: نه من به محل نرفتم.

گزارشگر: شما فکر می‌کنید اگر می‌خواستید به محل بروید اجازه می‌دادند؟

داریوش فروهر: والله، من این جور چیزها را در بوته‌ی آزمایش قرار نمی‌دهم. من در سراسر زندگی سیاسی‌ام شیوه‌ی خاص خودم را داشته‌ام. اما، بدون اینکه ذکر هر دو نام را بکنم، می‌گویم که رئیس یکی از قوه‌ها به آن مجلس رفته‌اند و وقتی وارد شده‌اند مردم شعار به نفع رئیس‌جمهور، که در آنجا حضور نداشته، داده‌اند.

گزارشگر: شما نمایندگان داشتید در آن محل؟

داریوش فروهر: به هر حال، دوستان من کوشش می‌کنند تا [من] از جریان‌هایی که می‌گذرد، چه گردهمایی باشد چه مسابقه باشد، گذشته از گزارش‌های رسمی، که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود، با فرستادن گزارشگرانی خیر داشته باشم.

گزارشگر: شنوندگان ارجمند، گفتگو کردیم با داریوش فروهر، رهبر حزب ملت ایران. جالب است گزارشی که دادند به ما از این روحیه‌ی مردم، عشق آن‌ها به سرزمینشان و هویتشان و ترانه‌ای که به نظر من یکی از زیباترین و برانگیزاننده‌ترین سرودهای تاریخی ماست، «سرود ای ایران»؛ و به قول آقای داریوش فروهر، این سرود در همه جا پخش می‌شود و در همه‌ی محافل و اشک جاری می‌کند از دیدگان مردم. راست می‌گویید که ما در گذشته اهمیتی نمی‌دادیم و این سرود را یک سرود عادی تلقی می‌کردیم. چه خوب و خدا را شکر، اگر امروز مردم ما به طرف ملی‌گرایی می‌روند و آگاهانه در پی نمادهای تاریخی خودشان هستند. شما تأیید می‌کنید، آقای فروهر؟

داریوش فروهر: بله، همین طور است. همه‌ی امید برای آینده‌ای که برای من مانده در همین است که به ثمر بنشیند این باغ پرگلی که در حال شکفتن است.

گزارشگر: آقای فروهر، موافقید این سرود را با هم بشنویم؟

داریوش فروهر: بله، بسیار سپاس‌گزار خواهم شد.

[پخش سرود]

گزارشگر: سرودی که تصور می‌رفت از یاد رفته است، اما امروز موتور و عامل محرک جوان‌های ماست و سرودی که آهن استبداد را آب خواهد کرد.

داریوش فروهر: به امید خداوند.

گزارشگر: با آقای داریوش فروهر خداحافظی می‌کنیم؛ و سپاس‌گزاریم که به پرسش‌های ما پاسخ دادند.

داریوش فروهر: شب شما و همه‌ی ایرانیانی که شنونده‌ی برنامه‌ی شما هستند به خیر. امیدوارم که بیش از پیش در راستای رهایی ایران از تنگنا و برقراری مردم‌سالاری کوشا باشند.

گزارشگر: آقای فروهر، اول برنامه، که می‌خواستیم شروع کنیم، یک غوغایی در تلفن شما بود که معلوم می‌شود هنوز تلفن شما را گوش می‌کنند.

داریوش فروهر: بله، همیشه هست؛ اما خوب ارشاد می‌شوند.